



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲
محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

تربیت شنوایی چیست و آموزش هنرهای شنیداری برای کودکان چه اهمیتی دارد؟

ابوالفضل کیا

فارغ التحصیل مقطع کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان آیت الله خامنه ای گرگان
abolfazlkia3@gmail.com

گلچهره ملکی

فارغ التحصیل مقطع کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان
malkigolchehre@gmail.com

هاجر نمرودی

فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد واحد ساری
Elham.namroudi@yahoo.com

فاطمه شرافتی

فارغ التحصیل مقطع کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور گرگان
fatemeshrafati76@gmail.com

چکیده

تربیت شنوایی و تقویت آن، یکی از اهدافی است که آموزش و پرورش در برنامه های خود را گنجانده است و بر آن تاکید دارد. دانش آموزان به خصوص در دوره ی اول ابتدایی، اگر در محیط خانواده، با صداهای مختلف آشنا شده باشد و با آنها کار شده باشد، از نظر صداها غنی می شوند و در دوره ابتدایی مشکلات کمتری را خواهند داشت. اما دانش آموزانی هستند که در این مقطع از زندگی و درون خانواده، در شرایط مناسب از نظر موسیقی قرار نمی گیرند و با صداهای مختلف آشنا نمی شوند و اینگونه تربیت شنوایی و شنیداری آنها ضعیف می ماند و نیاز است در مدرسه ها این چنین کودکانی بیشتر کار شود. گاهی اوقات دانش آموزانی هستند که در هنگام املا، عقب می مانند و یا نمی توانند دو یا سه کلمه را به طور دقیق به خاطر بسپارند، به همین دلیل دچار مشکل می شوند و نمی توانند املا خوبی داشته باشند. این دسته از دانش آموزان در حافظه ی شنیداری ضعف دارند و باید در این زمینه با آنها بیشتر کار شود. مطالعه حاضر به دلیل اهمیت موضوع تربیت شنیداری در دانش آموزان، به بررسی چیستی این مفهوم و اهمیت یادگیری هنرهای شنیداری برای دانش آموزان می پردازد.

واژگان کلیدی: تربیت شنیداری، هنر های شنیداری، کودکان، آموزش و پرورش



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲

محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

مقدمه

کودک نیز مانند ما بزرگترها ناچار به استفاده از تکنولوژی است ولی طراحی وسایلی که کودک استفاده می‌کند، دربردارنده ی شاخص‌های فرهنگی سرزمین او نیست و یا این که در آن‌ها بسیار کم به هویت ملی و بومی او پرداخته شده است. امروز ما صحبت از سلطه ی فرهنگی می‌کنیم، در حالی که در نظام آموزش و پرورش ما نشانه‌ای از آموزش موسیقی که بخش مهمی از هویت فرهنگ و هنر سرزمین ماست، وجود ندارد. (حاجی آقالو، ۱۳۹۰)

واقعیت این است که معیارهای کودک در انتخاب و استفاده از فرآورده‌های فرهنگی تحت تاثیر سلیقه‌ها و داده‌های جذاب و ماهرانه ی جهانی قرار می‌گیرد و متأسفانه این تاثیرپذیری چون بدون آگاهی است، فقط در سطح صورت می‌پذیرد، بدون این که عمقی داشته باشد و از فرهنگ خود نشانه‌ای برای مقایسه و تلفیق این فرهنگ‌ها داشته باشد. (حاجی آقالو، ۱۳۹۰)

با نگاهی به سلیقه‌های جوانان در سال‌های اخیر مشاهده می‌کنیم که تاثیر تبلیغات گوناگون روی آن‌ها بسیار شدید است چرا که آن‌ها در نظام تعلیم و تربیت خود آگاهی‌های لازم را در زمینه ریشه‌ها و چشمه‌های فرهنگ خود دریافت نکرده‌اند و اصولاً شناختی در زمینه ی تاریخ و فرهنگ و هنر شهر و کشور خود ندارند، در نتیجه آن‌ها قدرت نقد و بررسی و انتخاب ندارند و همین جاست که اهمیت آموزش و مفاهیم فرهنگی، بویژه موسیقی در تعلیم و تربیت مشخص می‌شود.

آیا جهان پیرامون را فقط با چشمان خود نظاره می‌کنیم؟ آیا حس شنوایی تاثیر دیدن را کامل تر نمی‌کند؟ یا به عبارتی بدون حس شنوایی و فقط با چشم می‌توان جهان را به درستی دریافت؟ آیا صدای رودخانه با تصویر چمنزار نقشی ندارد؟ اگر رنگ‌ها و شکل‌های اجسام گوناگون قسمتی از جهان پیرامون ماست، اصوات نیز قسمتی دیگر از جهان پیرامون ما را تشکیل می‌دهند. اگر طبیعت پیرامون، تابلویی زیبا از جهان هستی است، پس صدای طبیعت نیز یک قطعه ی زیبای موسیقی است. در حقیقت نور و صدا است که جهان پیرامون انسان را عینیت می‌بخشد. (حاجی آقالو، ۱۳۹۰)

وزن (ریتم) به معنی نظم و ترتیب و تکرار و توالی است و نه تنها در موسیقی عنصر اصلی - حتی مهم تر از ملودی است، بلکه مهمترین پایه ی نظام هستی به شمار می‌رود مانند نظمی که در گردش زمین به دور خورشید در توالی روزها و شب‌ها، در فصل‌ها، در قطرات باران و ... وجود دارد. (حاجی آقالو، ۱۳۹۰)

حال به صدای بدن خود گوش دهیم ضربان قلب، صدای به هم زدن دست‌ها، صدای قدم‌ها، ریتم و آهنگ کلمات و ... این دیدگاه که در بدو پیدایش جهان فقط صوت وجود داشته، از کهن‌ترین تفکرات بشری بوده است. موسیقی شناسان با مطالعه ی فرهنگ‌های گوناگون با این عقیده که «خلقت دنیا همراه با صوت بوده است» و به همین دلیل ذات بشر در اصل پیوسته عنصری صوتی بوده است؛ مواجه بوده‌اند. (حاجی آقالو، ۱۳۹۰)

مطالعاتی که در زمینه ی رابطه ی مردم شناسی و موسیقی صورت گرفته است؛ نشان می‌دهد که: «وظیفه ی بنیادی موسیقی و دیدگاه‌ها و برداشت‌های فرهنگ‌های بدوی و تمدن‌های پیشرفته به طور شگفت‌انگیزی با یکدیگر مشابه و قابل مقایسه‌اند. استفاده از موسیقی در آیین‌های مذهبی، جنگ‌ها و سوگ‌ها و ... و علی‌رغم تفاوت‌های جغرافیایی و تاریخی ظاهراً باید همگی از منبع واحدی نشأت گرفته باشند که این منبع واحد به عنوان سرچشمه ی احتمالی فرهنگی بشری در طول قرن‌ها تداوم یافته و

مبانی فلسفه و سمبل موسیقی را پایه ریزی نموده است و از عهد عتیق تا به امروز پایدار مانده است. (حاجی آقالو، ۱۳۹۰)

ویژگی‌های موسیقی در فرهنگ اسلامی با دیدگاه‌های عرفان و فلسفی منطبق با ویژگی‌های سایر هنرهای اسلامی است. به گونه ای که در مجموع به وحدتی اصیل و مختص به خود دست می‌یابد. آشنایی با موسیقی مناطق گوناگون کشورمان که در انواع موسیقی‌های مذهبی، آیینی، بازی‌ها، جشن‌ها و ... اجرا می‌شود؛ به خودباوری و غنای فرهنگی کودک کمک می‌کند. از آن‌جا که شناخت موسیقی بدون آموزش آن امکان‌پذیر نیست، بنابراین آموزش موسیقی باید بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌های آموزش باشد. (حاجی آقالو، ۱۳۹۰)



تربیت شنوایی

تربیت شنوایی در بخشی از درس هنر دوره ابتدایی مورد توجه قرار گرفته است تا دانش آموزان به تمرکز ذهنی بیشتر برای درک مفاهیم عمیق تر دست یابند. در این دوره، تربیت شنوایی از گوش دادن به صداهای طبیعت آغاز می شود و به خواندن آثار برگزیده از شعرها و سرودهای کتاب فارسی توجه می شود. اهم فعالیت های یادگیری بر شنیدن و تقلید کردن صداهای مطبوع در طبیعت، شعرخوانی به همراه کفزدن و صداهای دست و پا، تولید صدا با لیوان های آب با استفاده از وسایل در دسترس همچون نوار صداهای طبیعت و ضبط صوت است. آنها می توانند تربیت شنوایی را با قصه، نمایش، نقاشی و عکاسی تلفیق کنند. به طور مثال: (شرفی، ۱۳۹۴)

- با کاغذ، شیپور بسازند و با آن صداهای مختلف را با شدت های متفاوت تولید کنند
- هنگام پخش یک قطعه سرود، دانش آموزان با هر رنگی که به نظرشان می رسد، نقاشی بکشند
به طور عمده در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی بر شنیدن، تقلید کردن، آوازا و نواختن های ابداعی و به صورت فی البداهه برگرفته از کتاب های درسی و فرهنگ ایرانی تأکید شده است،
در منابع مکتوب به زبان انگلیسی، درباره فعالیت های یادگیری در این حوزه به شرح زیر توصیه شده است: (ورما [۱]، ۱۹۹۵؛ به نقل از ملکی و قورچیان ۱۳۸۰).

- دانش آموزان دانش خود را درباره موسیقی فرهنگ های مختلف، انتخاب، ساخت صداها و بوجود آوردن قطعات موسیقی افزایش می دهند

- نمونه های موزون و ملودی را شناسایی و تقلید می کنند
- آوازا را به صورت تک خوانی اجرا می کنند
- در تمرین های سرودخوانی شرکت می کنند
- ساختارهای ساده در موسیقی را مورد شناسایی قرار می دهند
- درباره آوازا و کارهای سازی که انجام داده اند، گفت و شنود می کنند
- اصطلاحات موسیقی را در مواقع بحث درباره خصوصیات موسیقی به کار می برند
- یک خصوصیت ویژه از قطعه موسیقی مورد علاقه را مورد گفت و شنود قرار می دهند
- درباره شباهت ها و تفاوت های دو قطعه موسیقی مشهور بحث می کنند .
- درباره کاربردهای گوناگون موسیقی در زندگی روزانه گفت و شنود می کنند
- مشخصات آوازا و سازها را در فرهنگ های مختلف مورد بحث قرار می دهند
- خصوصیات برتر موسیقی را در یک نمایش ویدئویی، مورد توجه قرار می دهند
- قطعات برگزیده آهنگ سازان را شنیده و درباره آن صحبت می کنند
- سازهایی که در یک گروه محلی ارائه می گردد، توضیح می دهند
- حساس کردن گوش دانش آموزان به زیر و بمی صداها و تقویت طنین های مختلف صوتی و همچنین تقویت حس ریتم و تشخیص تنالیت (رفعیان ۱۳۸۳)

اهم شیوه های آموزش موسیقی عبارت است از:

۱. بازی های ملودی

۲. تمرینات ویژه حواس (جمالی ۱۳۸۳).

۳. قدم به قدم (رضایی ۱۳۸۲).

۴. گوش دادن به طیف وسیعی از موسیقی (کاکس ۲۰۰۰).

فعالیت‌های یادگیری موسیقی در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی (سال‌های چهارم و پنجم) به شرح زیر است:
- هنگامی که دانش‌آموزان را برای گردش به یک محیط طبیعت می‌برید تشویق کنید به صداهای اطراف گوش فرا دهند.
- دانش‌آموزان را تشویق کنید که صداهای مطبوع را بیابند، بشناسند، منبع آن را تشخیص دهند و تقلید کنند
- در زمان‌های مناسب از کلام همراه با موسیقی استفاده کنند
- درباره کاربردهای موسیقی در مراسم مختلف مذهبی، نظامی و متن فیلم‌ها با دانش‌آموزان صحبت کنید
- در ساعت هنر برای مدت معین (مثلاً ۱۰ دقیقه) موسیقی مناسب را پخش کنید و از دانش‌آموزان بخواهید که در آرامش و سکوت، بدون انجام کار دیگری به موسیقی گوش کنند، سپس هر یک از آن‌ها در مورد احساس خود در این ۱۰ دقیقه صحبت کند. (شرفی، ۱۳۹۴)

- دانش‌آموزان را با ریتم‌های موجود در طبیعت مانند صدای بال زدن پرندگان، تپش قلب، دوییدن اسب، و تقلید از این صداها آشنا کنید.

- برای تقویت دقت شنوایی دانش‌آموزان در تشخیص ریتم، معلم ریتم را با ضربه زدن روی میز به وسیله مداد، اجرا کند و از یک دانش‌آموز بخواهد که عین همان ریتم را تکرار نماید؛ در مرحله بعد همه دانش‌آموزان کلاس با هم عین همان ریتم را تکرار کنند. به طور کلی فعالیت‌های یادگیری عمده حول محور تولید صدا با آلات موسیقی و اجرای یک قطعه کوتاه و همچنین به کاربردن آهنگ‌هایی در حرکت‌ها، شعرها، داستان، نشان دادن الگوهای حرکتی در یک قطعه موسیقی، افزایش دانش موسیقی، شنیدن و دیدن آوازه‌ها و سازها، گفت و شنود کردن، شناسایی و توصیف کردن است. با توجه به برنامه درسی هنر در بخش موسیقی (تربیت شنوایی) در دوره ابتدایی و محدودیت‌هایی که از نظر مکان یادگیری مستقل در این حوزه به طور اخص وجود دارد و همچنین امکان تناسب فعالیت‌های یادگیری در این بخش با بخش‌های دیگر و کاهش مزاحمت‌ها، می‌توان چارچوب فعالیت‌های یادگیری را در این بخش از پژوهش را به شرح زیر تعریف و تعیین کرد: (شرفی، ۱۳۹۴)

ساختن آلات موسیقی ایرانی و تولید صدا با آن؛ شنیدن و تقلید کردن صدای موسیقی‌هایی متناسب با متن کتاب‌های درسی (شعر و داستان) و منطقه جغرافیایی از طریق نوارهای کاست و ویدئویی؛ افزایش دانش درباره موسیقی‌های پیش گفته و همچنین هنر موسیقی؛ گفت و شنود کردن، نوشتن و انجام فعالیت‌های یادگیری در حوزه موسیقی مرتبط با هنرهای زیبا (طراحی، نقاشی، صنایع دستی، مجسمه سازی، معماری، عکاسی، نمایش) و هنرهای رسانه‌ای (ارتباط تصویری و تصویرسازی)؛ بازدید از کارگاه‌های سازتراشی؛ شرکت در جشنواره‌های موسیقی، تهیه گزارش‌هایی مرتبط با فعالیت‌های پیش گفته؛ گوش سپردن به نغمه‌های معتبر موسیقیایی در قالب نوارها و لوح‌های فشرده صوتی و تصویری؛ با توجه به تجدید نظر در حوزه شناختی بلوم (آندرسون و کراتول و همکاران ۲۰۰۱) مرحله آفریدن پس از مرحله ارزشیابی نام برده شده است، بنابراین تولید هنری نیازمند گذراندن پیش نیازهایی است که در پیش گفته شد. بر این اساس، فی‌البداهه نمی‌توان این مرحله را در آموزش دنبال کرد. به طور مثال تولید هنری در موسیقی مستلزم: (شرفی، ۱۳۹۴)

الف) یادآوری مطالب قبلاً آموخته شده است مانند اصطلاحات موسیقی همچون ملودی

ب) فهمیدن یعنی تناسب اصطلاحات با آلات موسیقی،

ج) کار بستن یعنی استفاده از اصطلاحات موسیقی در موقعیت‌های عینی (به طور آزمایشی و تمرینی به نواختن موسیقی با آلات موسیقی می‌پردازند و به طور مثال ملودی را تشخیص و به کار می‌برند.

د) تحلیل یا تجزیه: چون ملودی حاصل سلسله‌ای از اصوات موسیقیایی در توالی یکدیگر است، دانش‌آموز می‌بایستی از راه مقایسه جز به جز، ارتباط اصوات موسیقیایی را با آلات آن مشخص نماید.

ه) ترکیب : با کنار هم قرار دادن اصوات موسیقایی، ملودی منحصر به فرد (ذوق و خواست درونی سازنده موسیقی) نوازنده ساخته می‌شود. در مرحله "ترکیب" است که تولید هنری در حوزه موسیقی اتفاق می‌افتد.
و) ارزشیابی : عبارت است از داوری درباره ارزش موسیقی ساخته شده برای منظوری معین است. تولید هنری در موسیقی به شدت به حوزه عاطفی یعنی به احساس، انگیزش، قدردانی و ارزش‌گذاری مربوط است (سیف ۱۳۸۰).

اهمیت ایجاد نشاط در مدارس از طریق موسیقی

نشاط در مدارس از موضوعاتی است که همواره در چند سال اخیر مورد بحث قرار گرفته و بسیار مهم و محبوب است. اما در این رابطه نباید به بهانه‌ی شادی و نشاط، عرف و شرع را زیر پا گذاشت. آن‌چه که پیداست، نشاط در مدارس که یکی از موارد سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش است؛ دچار تحریف شده است چرا که برنامه‌ریزی‌های دقیق و قوانین دقیقی با آن همراه نیست. (موسسه علوی، ۱۳۹۸)

موسیقی و برنامه‌های شاداب‌کننده

وجود تلفن‌های هوشمند و توانایی ارتباط با فضاهای مختلف، نوع نگاه مردم حتی کودکان و نوجوانان را به خیلی موارد تغییر داده است و البته موسیقی، جدا از این مسائل نیست. بارها بر تولید محتوای مخاطب‌پسند تأکید شده است اما اقدامی صورت نگرفته است. گرچه با وجود اتفاقات اخیر در زمینه‌ی پخش موسیقی در مدارس، این مسئله به صورت جدی‌تری در حال بررسی است. با این وجود نمی‌توان دانش‌آموزان، کودکان و نوجوانان را از نشاط و تفریح دور کرد چرا که آن‌ها به برنامه‌های شاداب‌کننده نیاز دارند. (موسسه علوی، ۱۳۹۸)

آموزش موسیقی در مدارس

در اکثر کشورها، آموزش موسیقی در مدارس مانند دروس ریاضی و علوم از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار است و موسیقی به عنوان یک درس از دوره‌ی ابتدایی به دانش‌آموزان تعلیم داده می‌شود. اما متأسفانه این موضوع در برخی کشورها از جمله ایران، جایی در برنامه‌ی درسی دانش‌آموزان ندارد. آموزش موسیقی مانند تمرینات ورزشی که باعث تناسب اندام می‌شوند، می‌تواند به تناسب بخش شنیداری مغز کمک کند. موسیقی از طریق تأثیر بر توانایی شنیداری و بهبود کیفیت آن، باعث افزایش قدرت کسب زبان و قابلیت‌های شناختی کودکان می‌شود. طبق نظر هب در اثر موسیقی حرکت، زبان و شناخت هماهنگی بیشتری پیدا می‌کنند. هم‌چنین نشان داده شده که آموزش موسیقی در رشد شناخت و تفکر انتزاعی نقش دارد. آموزش موسیقی باعث افزایش توانایی‌های کلامی نظیر تلفظ، استدلال کلامی و حافظه می‌شود. (موسسه علوی، ۱۳۹۸)

افزایش مهارت شنوایی و حرکتی

در سال ۲۰۰۹ محققان با استفاده از MRI مطالعه‌ای بر روی مغز ۳۱ کودک ۶ ساله انجام دادند. آن‌ها بعد از ۱۵ ماه آموزش موسیقی به این کودکان، متوجه شدند که بخشی از مغز آن‌ها که مربوط به کنترل شنوایی و مهارت‌های حرکتی است، بزرگ‌تر و توانایی آن‌ها در این مناطق بهتر از قبل شده است و حتی جسم پینه‌ای که دو نیم‌کره مغز را به هم متصل می‌کند نیز رشد کرده است. (موسسه علوی، ۱۳۹۸)

هم‌چنین براساس مطالعاتی که در سال ۲۰۱۱ بر روی ۴۸ کودک دبستانی در کانادا انجام شد، محققان دریافتند که هوش کلامی دانش‌آموزان بعد از ۲۰ روز آموزش موسیقی، افزایش یافته است و این افزایش، ۵ برابر بیشتر از گروه کنترل بود که در کلاس‌های هنری دیداری شرکت کرده بودند. سیلویون مورنو روان‌شناس دانشگاه تورنتو درباره‌ی آموزش موسیقی در کودکان می‌گوید: آموزش موسیقی در ۹۰ درصد از کودکان باعث افزایش توانایی مغز آن‌ها برای برنامه‌ریزی، پردازش اطلاعات و حل مسائل می‌شود. (موسسه علوی، ۱۳۹۸)

تأثیرات موسیقی بر افراد

اغلب کودکانی که با موسیقی سر و کار دارند و در کلاس‌های موسیقی شرکت می‌کنند، به نسبت سایر کودکان اعتماد به نفس بالاتری دارند و در تمام مقاطع تحصیلی خود موفق‌تر هستند. این دسته از کودکان رابطه‌ی عاطفی بهتری با والدین خود دارند و در طی روز، شادتر هستند. طبق بررسی‌ها و پژوهش‌های انجام شده، موسیقی نه تنها در فرآیند رشد و تحول بهینه‌ی افراد بلکه بر حافظه‌ی افراد نیز تأثیر می‌گذارد و این موضوعی است که غیرقابل انکار است. از جمله تأثیرات آموزش موسیقی، بهبود عمل‌کرد حافظه‌ی کاری و کارکردهای اجرایی است. حافظه‌ی کاری بخشی از مغز است که می‌تواند در حل مسئله، پردازش اطلاعات، تصمیم‌گیری و قضاوت نقش مهمی داشته باشد. زمانی که آهنگی نواخته می‌شود، یک موسیقی‌دان باید بتواند نشانه‌های دیداری را به اصوات شنیداری تبدیل کند. هم‌چنین باید کنترل کافی بر نحوه نوازندگی خود داشته باشد؛ این امر باعث کنترل بهتر بر عمل‌کرد نوازندگی او می‌شود و کارکردهای اجرایی اش را بهبود می‌بخشد. (موسسه علوی، ۱۳۹۸)

رشد خلاقیت و کسب بینش

علاوه بر این یک فرد باید بتواند بین اجزای مختلف نشانه‌های دیداری یک آهنگ ارتباط برقرار کند و رابطه جدیدی بین آن‌ها کشف کند و به الگوهای جدیدی دست پیدا کند. این مسئله باعث رشد خلاقیت و کسب بینش می‌شود و توجه دیداری و شنیداری فرد را افزایش می‌دهد. موسیقی می‌تواند در درمان اختلالات روانی اثر داشته باشد، از جمله این اختلالات می‌توان به اختلال در خواندن و اختلالات گفتار و زبان اشاره کرد. اما برای اثربخشی موسیقی بر ساختار مغز، دوره‌ای حساس وجود دارد که تقریباً ۷ سالگی می‌باشد. یعنی همان دوره ابتدایی که در کشورهای دیگر آموزش آن را شروع می‌کنند. طبق مطالعات انجام شده، افرادی که از کودکی، آموزش موسیقی می‌بینند، توانایی استدلال انتزاعی بیشتری نسبت به دوستان و هم‌سن و سالان خود دارند و این توانایی با گذشت زمان با آموزش موسیقی بهبود می‌یابد. (موسسه علوی، ۱۳۹۸)

آموزش موسیقی در مدارس از دیدگاه اسلام

برخلاف تصورات و برداشت‌هایی که اکثر مردم درباره‌ی آموزش موسیقی دارند، اسلام به طور کل، موسیقی را رد نکرده و تنها معیار اسلام در بحث موسیقی، مجاز و غیرمجاز بودن آن است. حال در این میان آن‌چه مشکل‌ساز شده، اختلاف نظر فقها در مورد موسیقی و غناء است، که البته می‌توان بیشترین اختلاف فقها در حکم غناء را مربوط به اختلاف در مفهوم غناء دانست. (موسسه علوی، ۱۳۹۸) در حالت کلی، هر موسیقی و غناء، ایرانی و غربی، با صدا یا بی صدا و استفاده از هر نوع ابزار موسیقی در صورتی حرام است که مبتذل و تحریک‌کننده‌ی جنسی باشد، موجب فساد شود، موسیقی متناسب با مجالس رقص و گناه و عیش و نوش باشد و در نهایت سبب غفلت از خدا شود و در غیر این صورت مانعی ندارد. هم‌چنین آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی موسیقی و آموزش موسیقی گفته است: "استفاده از آلات نوازندگی موسیقی برای اجرای سرودهای ملی یا انقلابی یا هر امر حلال و مفیدی تا زمانی که به حد لهو مناسب با مجالس معصیت نرسیده است اشکال ندارد. هم‌چنین موسیقی و تعلیم و یادگرفتن و ساختن آلات آن برای اهداف مذکور فی نفسه اشکال ندارد." (موسسه علوی، ۱۳۹۸)

منطق آموزش موسیقی در مدارس

افلاطون و ارسطو در توجیه آموزش موسیقی در مدارس، بر جنبه‌های سودمندگرایی موسیقی تأکید داشتند. از نظر افلاطون، "آنچه مفید است، زیباست". بنابراین این‌گونه می‌توان گفت که، سودمندی و کارایی زیبایی خواهد بود. به عبارت دیگر، چیزی را باید زیبا دانست که برای هدفی خوب و خیر، مفید باشد. در زمینه‌ی موسیقی نیز افلاطون چنین نگاهی داشت و معتقد بود ضرورت آموزش موسیقی در حفظ ارزش‌های سنتی و پرورش شهروندان ایده‌آل بسیار مؤثر و تأثیرگذار خواهد بود. ارسطو نیز فراگیری موسیقی را در راستای رسیدن به سه هدف تربیت، پالایش و تطهیر می‌دانست. (موسسه علوی، ۱۳۹۸)

در قرون وسطی، آموزش موسیقی وسیله‌ای برای تربیت و شکل‌گیری شخصیت افراد بود تا آن‌ها بتوانند بعدها به بهترین شکل، انتظارات جامعه را تحقق بخشند. شینیچی سوزوکی مدرس ویولن و مؤلف روش آموزش موسیقی، هدف اصلی آموزش موسیقی در مدارس را رشد شخصیت کودکان و تربیت یک شهروند ایده‌آل می‌دانست. او در کتابش در این باره نوشته است: "من تنها قصد دارم تا یک شهروند خوب، تربیت کنم. اگر کودک از زمان تولد به یک موسیقی خوب، گوش دهد و یاد بگیرد تا به تنهایی آن را بنوازد، او حساسیت، انضباط و استقامت را در خود رشد می‌دهد. او قلبی زیبا به دست می‌آورد. (موسسه علوی، ۱۳۹۸)

نقش آموزش موسیقی در رشد حس زیبایی شناسی

آشنایی کودکان با آثار موسیقی در تربیت و رشد سلیقه‌ی شنیداری، حساسیت در شنوایی، درک ریتم، هماهنگی صوتی، تشخیص طنین متفاوت صدای سازها، درک بیشتر از عناصر موسیقی در دیگر هنرها مانند ادبیات، معماری، نقاشی (هنرهای تجسمی) موثر است.

برای رسیدن به اهداف بالا می‌توان از روش‌های زیر استفاده نمود:

۱. شنیدن آثار موسیقی و گفتگو و طرح سوالاتی درباره‌ی تفاوت‌های زیر و بمی صداها، تفاوت در طنین صداها (آشنایی با صدای سازها در گروه‌های سازهای گوناگون (زهی، آرشه‌ای، مضرابی، کوبه‌ای و بادی چوبی و برنجی) تفاوت در ریتم و سرعت اثر ارائه شده.

۲. گفتگو در باره‌ی ارتباط موسیقی و کلام در قطعات آوازی موسیقی ایران. موسیقی محلی (فولکلوریک) و موسیقی مذهبی.

۳. گفتگو درباره‌ی عناصر و نقش موسیقی در انواع شعر گفتگو درباره‌ی ارتباط ریتم در موسیقی و وزن در شعر. صحبت درباره‌ی موسیقی درونی شعر از راه تکرار هجاهای قافیه.

۴. گفتگو در باره‌ی نقش ریتم در سایر هنرها (نقاشی، نمایش، معماری، سینما) (سالم و محمدپور، ۱۳۹۱)

کاربرد عناصر فرهنگی، قومی و زیستی - محیطی در آموزش موسیقی

نقش ارزش‌های فرهنگ عامه و موسیقی محلی در فرهنگ آموزش و ساخت بعد فرهنگی کودکان بارز است. بهره‌گیری از این گنجینه‌ی غنی در تعلیم و تربیت هویت بخشیدن به کودکان باید مورد بررسی و استفاده قرار گیرد.

قلمرو و گسترده‌ی فرهنگ عامه در برگیرنده‌ی بسیاری از شاخه‌ها و رشته‌های فرهنگی مانند دانش‌ها، فنون، هنر، ادبیات، آیین‌ها، آداب، شعائر، معتقدات قومی و دینی، بازی‌ها، سرگرمی‌ها و جشن‌ها است. «متاسفانه به دلایل بسیار از جمله دگرگونی‌های سریع اجتماعی و اقتصادی که تأثیرات آن در اشکال گوناگون زندگی مردم مشهود است و تقلید کورکورانه از فرهنگ وارداتی سبب شده است که فرهنگ مردم عامیانه بی‌ارزش و حقیر شمرده شود. به همین دلیل احیاء و اشاعه و استفاده از این فرهنگ غنی به صورت کتبی و رسمی در نظام آموزشی ما فراموش شده است. (سالم و محمدپور، ۱۳۹۱)

موسیقی و ادبیات شفاهی کودکان که به تناسب موضوع و مضمون و زبان و بیان خاص، برانگیزاننده، آموزنده یا سرگرم کننده است، برای گروه‌های سنی متفاوت کودکان را در برمی‌گیرد اما در قلمرو آموزش ما نقشی به عهده ندارد. مثلاً لالایی‌ها آرامش بخش هستند. تاتی تاتی (سال سال سال در فرهنگ آذری) نقش تشویق کودکان برای راه رفتن را به عهده دارند. مثل‌های گوش نواز که در زبان آموزی نقش بسیاری دارند و بازی‌های آوازی (بازیهای با قاعده مانند عمو زنجیر باف و ...) آموزش زندگی گروهی، دوستی، مشارکت، ایفای نقش و ... را به عهده دارند و چیستانها حس کنجکاوای کودکان را در سال‌های دبستان برمی‌انگیزند و آن‌ها را با روش‌های حل مسائل آشنا می‌کنند. (سالم و محمدپور، ۱۳۹۱)

چگونه ریتم و آهنگ درونی مثل‌ها می‌تواند در آموزش زبان و موسیقی تأثیرگذار باشد؟

مثل‌های چیستانها؟ مثل‌ها جمله‌ها و عباراتی هستند چند کلمه‌ای (با معنی یا بدون معنی) دارای تکرار، ریتم و حرکت، که بر اصوات کلمه تأکید دارند. این تأکیدها سبب به وجود آمدن آهنگ کلمه‌ها می‌شود. می‌دانیم که تأکیدها بر اصوات کلمه، آهنگ ایجاد می‌کنند. تأکیدها غالباً در صدای زیرتر (تن بالا) خوانده یا گفته می‌شوند. این تأکیدها و آهنگ‌ها براساس موسیقی درون

زبان مادری ساخته شده‌اند. کودکان به راحتی این متل‌ها را فرا می‌گیرند و از این طریق به زبان مادری تسلط پیدا می‌کنند. به همین دلیل است که می‌گویند صحبت کردن کودکان، در ابتدا مانند آواز خواندن است. (سالم و محمدپور، ۱۳۹۱)

کودکان در ابتدا موسیقی کلام را فرا می‌گیرند، و سپس این آهنگ و ریتم کلمات را در اشعار آنان کمی بعدتر در عرصه‌ی ادبیات بزرگسالان مشاهده می‌کنیم.

متل‌هایی از قبیل:

اتنتل توته متل - پنجه شیر بام شکر و یا ؛ اتل متل توتوله - گاو حسن چه جوهر

با نگاهی به اشعار کودکان در کتاب‌های درسی دبستان مشاهده می‌کنیم که متل‌ها و شعرهای موزون و آهنگین کودکان به یکباره جای خود را به اشعاری غیر آهنگین و ناموزون می‌دهند. در نظر داشته باشیم که هر اندازه موسیقی شعر روان‌تر باشد از بر کردن آن برای کودکان آسان‌تر است، فراموش نکنیم که سادگی و روانی نباید جای خود را به تکرار و یکنواختی بی‌مورد بدهند. منظور این است که دانش‌آموزان را با وزن و موسیقی در ادبیات و اشعار فارسی (قبل از درگیر شدن با اوزان پیچیده‌تر شعری آشنا کنیم) و با تشویق آنان به پیدا کردن اوزان متنوع در اشعار کتاب فارسی یا در دیگر کتاب‌های شعر متوجه کرده و علاقه آنان را به ادبیات شکل ببخشیم. (حقانی و سهرابی، ۱۳۸۶)

بحث و نتیجه‌گیری

8

آموزش موسیقی باعث بهبود و توسعه مهارت‌های زبانی در کودکان و دانش‌آموزان در سنین بالاتر می‌شود. موسیقی، مغز را تحریک می‌کند. دانش‌آموزان با صداها و اشعار متنوع، در مدت زمان کوتاهی در معرض حجم زیادی از واژگان قرار می‌گیرند. همچنین، موسیقی این فرصت را فراهم می‌سازد تا کودکان با زبان‌های دیگر آشنا شوند، که پایه‌ریزی برای توانایی دانش‌آموز را برای درک و برقراری ارتباط به زبانی دیگر، ایجاد می‌کند. (گروه آموزشی سیمناد، ۱۴۰۰)

آموزش موسیقی، روشی برای ارتقای مهارت‌های حافظه است. آیا تا به حال اتفاق افتاده که پس از مدت‌ها به آهنگی که قبلاً گوش داده‌اید، گوش بدهید و هنوز شعر آن را به خاطر داشته باشید؟ حتی افرادی که موسیقیدان نیستند نیز این پدیده را تجربه می‌کنند. موسیقی از طریق ملودی‌های جذاب و صداهای مختلف، راهی برای اتصال به روح فرد دارد و در صورت استفاده مناسب، ابزاری قدرتمند برای یادگیری است. (گروه آموزشی سیمناد، ۱۴۰۰)

به علاوه، دانش‌آموزان می‌توانند توانایی‌های ذهنی خود را به طرق مختلف، هنگام شرکت در آموزش موسیقی افزایش دهند. همانطور که قبلاً گفته شد، موسیقی مهارت‌های به خاطر سپردن را تقویت می‌کند. علاوه بر متن آهنگ، دانش‌آموزان هنگام آماده شدن برای اجرا، باید تمام جنبه‌های موسیقی را حفظ کنند. آنها باید ریتم‌ها، زیر و بم‌ها، پویایی‌ها و چندین عنصر دیگر را یکجا به خاطر بیاورند. سپس دانش‌آموزان می‌توانند مهارت‌های حافظه خود را در کلاس درس به کار بگیرند و از آن مهارت‌ها در مطالعات خود استفاده کنند. (گروه آموزشی سیمناد، ۱۴۰۰)

آموزش موسیقی برای دانش‌آموزان در مدارس از نظر تقویت توانایی‌های ذهنی، بسیار سودمند است. با این حال، مزایای این آموزش‌ها از منظر اجتماعی، به همان اندازه فوق‌العاده است! آموزش موسیقی نیازمند کار گروهی و همکاری است. در حین نواختن سازها، دانش‌آموزان، مهارت‌های گوش دادن را به دست می‌آورند. آنها باید برای درک سطوح بهتر صدا، اجرای دینامیک و بسیاری موارد دیگر، به سایرین گوش دهند. هنگام انجام کارهای ساده موسیقی، مانند نت نویسی ریتمیک و ملودیک نیز به کار گروهی و همکاری نیاز است. دانش‌آموزان به سرعت یاد می‌گیرند که برای عقاید و ایده‌های دیگران ارزش قائل شوند، و می‌آموزند که چگونه آن افکار را به‌طور مؤثر با هم ترکیب کنند، تا کار مورد نظر تکمیل گردد. (گروه آموزشی سیمناد، ۱۴۰۰)

علاوه بر کار گروهی، آموزش موسیقی به دانش‌آموزان باعث ایجاد دوستی‌ها و روابط طولانی مدت می‌شود. دانش‌آموزان، در گروه موسیقی یا گروه گر، عشق و لذت خود را به اشتراک می‌گذارند و با موسیقی پیوند می‌خورند. آنها لحظات هیجان‌انگیزی را با همدیگر، از طریق موسیقی تجربه خواهند کرد، به توسعه توانایی‌های یکدیگر کمک می‌کنند و به یک سیستم حمایت‌کننده برای یکدیگر تبدیل می‌شوند. این پیوند خاص، باعث افزایش مشارکت دانش‌آموزان در مدرسه نیز می‌شود. (گروه آموزشی سیمناد، ۱۴۰۰)

آموزش موسیقی به دانش‌آموزان فرصتی برای تجربه فرهنگ‌های مختلف است. در آموزش موسیقی پایه، استفاده از آهنگ‌ها و بازی‌های کشورهای دیگر، بسیار رایج است. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که کودکان دیگر چگونه بازی می‌کنند و آن دانش را با زندگی خود مقایسه می‌کنند. (گروه آموزشی سیمناد، ۱۴۰۰)

علاوه بر این، دانش‌آموزان، درک درستی از فرهنگ‌های دیگر کسب می‌کنند، که منجر به پذیرش زیبایی‌های سایرین می‌شود. دانش‌آموزان متوجه می‌شوند که تشخیص تفاوت‌ها خوب است، و احترام بیشتری برای دیگران قائل خواهند شد. آموزش موسیقی باعث بهبود هماهنگی اعضای بدن، به ویژه هماهنگی دست و چشم می‌شود. نوازندگان باید چند کار را با هم انجام دهند! این کارها، هماهنگی بدن را بهبود می‌بخشد و مغز را بیشتر توسعه می‌دهد. هنرجویان باید نت موسیقی را بخوانند، آن را تفسیر کنند و از طریق نواختن ساز خود، نواختن موسیقی را به صورت فیزیکی آغاز کنند. این مراحل به طور مداوم در طول اجرای هر قطعه موسیقی، تکرار می‌شود، و حتی کوچکترین زبان‌آموزان، به آرامی می‌توانند هماهنگی اعضای بدن خود را از طریق تمرین مداوم موسیقی، توسعه دهند. آموزش موسیقی به دانش‌آموزان باعث تقویت اخلاق کاری و نظم و انضباط بیشتر می‌شود. هنرجویان موسیقی از سنین پایین یاد می‌گیرند که سخت‌کوشی، تلاش و جدیت، و طرز فکر مثبت تمام چیزی است که برای موفقیت نیاز دارند، اما با داشتن این ویژگی‌ها، تمرین مستمر نیز لازم است. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که بهبود مهارت‌های موسیقی، کار آسانی نیست، زیرا نیازمند ساعت‌ها مطالعه و تمرین است. از این طریق، آنها مفهوم بیشتری از اخلاق کاری به دست می‌آورند و یاد می‌گیرند که برنامه‌های خود را برای رسیدن به اهداف، منظم‌تر سازند. (گروه آموزشی سیمناد، ۱۴۰۰)

آموزش موسیقی یک جذابیت را در بین دروس معمولاً خسته‌کننده در مدرسه ایجاد می‌کند. دانش‌آموزان عمدتاً در ساعات مدرسه منتظر دروس ریاضیات، علوم یا فارسی هستند. و آموزش موسیقی می‌تواند یک تفریح و آموزش سرگرم‌کننده باشد! بنابراین، به طور مستقیم بر مشارکت دانش‌آموزان در مدرسه تأثیر می‌گذارد. موسیقی، ابزار متفاوتی برای بیان احساسات دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. هیچ محدودیتی برای این استفاده‌ها وجود ندارد. دانش‌آموزانی که درگیر آموزش موسیقی هستند، عموماً مشارکت بیشتری در کارها و فعالیت‌های مرتبط با مدرسه دارند. (ظفربخش، ۱۳۹۲)

رویکرد برنامه‌ی درسی هنر «تربیت هنری» است. انجام دادن فعالیت‌های هنری در فضایی که کودکان، آزادانه تخیل و اندیشه کنند، حواسشان تقویت شود، ظرفیت‌های نهفته‌ی هوش و تفکرشان پرورش یابد، عواطف و احساساتشان توسعه یابد و استعداد و خلاقیت‌هایشان شکوفا شود، به «تربیت هنری» منجر می‌شود. (ظفربخش، ۱۳۹۲)

«تربیت هنری» باید طوری برنامه‌ریزی و اجرا شود که با گذشت زمان، دانش‌آموزان مستقل شوند و وابستگی آن‌ها به معلمان و نهادهای آموزشی کاهش یابد. دانش‌آموزان باید بتوانند خود، فرایند فعالیت هنری را طی کرده و محصول هنری مورد نظر را تولید کنند. توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و سطح رشد هر یک از آنان، یکی از ویژگی‌های تربیت هنری است که شیوه‌ی برخورد با دانش‌آموزان را تبیین می‌کند. (ظفربخش، ۱۳۹۲)

منابع

شرقی، حسن، موسیقی و تربیت‌شنوایی، ۱۳۹۴



- حاجی آقالو، عباس، موسیقی و اهمیت آموزش آن برای کودکان، ۱۳۹۰
- گروه آموزشی سیمنا، آموزش موسیقی در مدارس چه تاثیری در دانش آموزان دارد؟، ۱۴۰۰
- ظفریخ، سعید، رویکرد جدید آموزش هنر در دوره ابتدایی، ۱۳۹۲
- سالم، سودابه، محمدپور، آبت الله، آموزش موسیقی در مدارس ابتدایی، ۱۳۹۰
- حقانی، نادر، سهرابی، پروانه، آموزش زبان به شیوه شنیداری- دیداری در بستر مجازی، پژوهش زبان های خارجی، ۱۳۸۶
- رفعیان، محمد، موسیقی و تاثیر آن بر افزایش انگیزه یادگیری دانش آموزان، ۱۳۸۳
- رضایی، امیر، تربیت شنوایی چه اهمیتی برای دانش آموزان دارد؟، ۱۳۸۲
- ملکی و قورچیان، تربیت شنوایی چیست؟، ۱۳۸۰ ترجمه شده از نوشته ورما، ۱۹۹۵؛